هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

اخوت اسلامی چگونه تحقق می یابد
ص۲

د قبايلو د يرغل ګواښ څه معنا لري؟
ص۷

جداسازی فارسی و پشتو در مکاتب پیامدها و چالش ها
ص۵

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ هفدهم شنبه ۳۰ سنبله ۱۳۸۷- ۲۰ رمضان المبارک ۱۴۲۹ - 20, September 2008



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در دومین اجلاس اخوت اسلامی:

اختلاف همیشه باعث ضعف و ناتوانی مسلمانان می شود

***

دولت سازی و ملت سازی یکی از نیازهای عمدهٔ هر جامعه است

ص۶

زور مجاهدین و بحران افغانستان

تبصره یی بر موضعگیری ناتو دربارهٔ مجاهدین

واقف حکیمی



وقتی از بازی به کلمات بگذریم، این سؤال به گونهٔ جدی مطرح می شود آیا آقای ژنرال ریچارد وی باور دارد که نیروهای ناتو در جنگ برضد تروریسم در افغانستان به موفقیت هایی دست یافته اند؟ عدم موفقیت های مهم نیروهای ناتو در این جنگ، چیزی است که نه تنها تحلیل گران افغانستان بدان تأکید می کنند، بلکه به تکرار این سخن از سوی مسؤولان نظامی و سیاسی کشورهایی که در افغانستان نیروی نظامی دارند ابراز شده است

رسانه ها به تاریخ ۲۴ سنبله سخنانی را از قول سخنگوی نیروهای ناتو در افغانستان ژنرال ریچارد وی بلانشت نشر کردند که در آن به حضور مجاهدین در نبرد علیه تروریسم در افغانستان مخالفت شده است، ژنرال ریچارد در گفتگویی با خبر رسانی پژواک گفته است: "حضور این گروه ها (مجاهدین) در میدان نبرد با طالبان، ناهماهنگی بیشتری را در این مبارزه ایجاد خواهد کرد". همچنان او در این گفتگو گفته است: "افرادی که بخواهند تحت رهبری ارتش افغانستان برای تأمین امنیت این کشور کار کنند، از حمایت آیساف (ناتو) برخوردار خواهند بود". **ادامه درص۲**

آیا استراتژی جدید امریکا جدی است؟

وحید مژده

اعلام استراتژی جدید امریکا مبنی بر این که از این به بعد به پایگاه های شورشیان در مناطق قبایلی آن سوی دیورند حمله خواهد برد، اعلام سیاستی است که قبلاً آغاز گردیده است. از ماه ها قبل هر از گاهی طیارات امریکایی در مناطق قبایلی دست به حملات می زنند و با توجه به این که در مواردی این حملات به صورت دقیق موجب تلفاتی به جانب طالبان و القاعده در آن مناطق گردیده بود نشان از همکاری استخباراتی میان مقامات اطلاعاتی پاکستان و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان داشت.

تا مدت ها دولت پاکستان مدعی بود که این عملیات را نیروهای مسلح خود این کشور انجام می دهند. دلیل این امر واضح بود و آن این که پاکستان نمی خواست مردم این کشور دست امریکا را در عملیات نظامی در داخل خاک پاکستان مانند افغانستان آزاد بدانند **ادامه درص۳**

د غمرازي پيغام



د تیرې اوونۍ په پای او د دې اوونۍ په پیل کې د دوو سترو او نومیالیو مجاهدینو د شهادت خبر، ټول مجاهدین او په تیره بیا د وردګ، لوګر او نورستان خلک د غم او ویر په ټغر کینول

د وړې میاشتی د خوارلسمې او د روژې مبارکې میاشتې د پنځمې نیټې په مازیګر، ډاکتر حضرت الدین نور د نورستان ولایت نوی والی د یوې ترافیکي پیښې په ترڅ کې شهید شو او د دې میاشتې په درویشتمه او د روژې د دیرلسمې نیټې په سهار د



لوګر ولایت والي جنرال عبدالله خان وردګ د ترهګرو د بمې برید له امله شهید کړای شو. انا لله و انا الیه راجعون

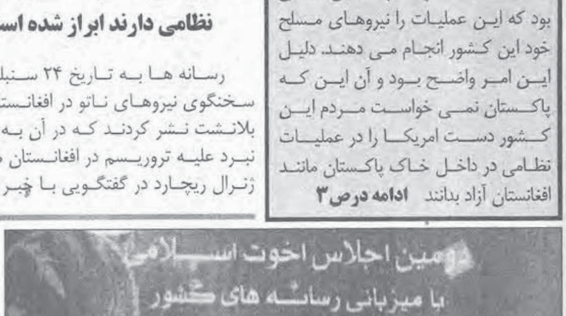
دا پیښې که له یوې خوا د هېواد د کړکیچنو حالاتو په تیره بیا د امنیتی بحران د ژورتیا څرګندویه دي، له بلې خوا په دولت کې د مجاهدینو د ونډې په اړه هم پوښتنې را ولاړوي.

د افغانستان په سپیڅلي او ویاړمن جهاد او له هغه نه وروسته د مقاومت په کلونو کې هم دا مجاهدین وو چې د هېواد له خپلواکۍ او خمکنۍ بشپړتیا نه یې دفاع کوله او د دې اوسنی نظام په راوستو او ټینګښت کې یې هم ډیری هلې ځلې کړې دي.

ښکاره خبره ده چې خطرونه هم دوی ته متوجه دي. مګر خلک تل دا پوښتنه کوي چې آیا د مجاهدینو او شهیدانو آرمانونه ترسره شوي دي؟ آیا مجاهدین په فکري، سیاسي. او ټولنیز ډګر کې د یادونې وړ لاس ته راوړنې لري؟

اوس د دې وخت را رسیدلی دی چې مجاهدین او په ځانګړې توګه د هغوی مشران په دې اړه له سره کتنه وکړي چې تر کله به مجاهدین د ټولو خطراتو په مقابل کې د سپر او ډال په توګه کارول کیږي؟ په داسې حال کې چې د هغوي قدر او منزلت تر پښو لاندې کیږي **پاتې پر ۵مخ**

دومین اجلاس اخوت اسلامی در کابل



دومین نشست شوری اخوت اسلامی، به مناسبت تجلیل از سالروز نزول آیهٔ مبارکه (انما المؤمنون إخوة) با میزبانی رسانه های آزاد کشور در کابل برگزارگردید.

این همایش پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط پیام رئیس جمهور که آقای خرم وزیر فرهنگ آن را خواند آغاز شد. در پیام رئیس جمهور به موضوع وحدت و یکپارچگی بین مذاهب واقوام افغانستان تأکید شده و راه برون رفت را از بحران و بی اعتمادی نزدیکی فرقه های مذهبی و اقوام افغانستان دانسته شد.

این همایش که به کمک مالی شبکه مخابراتی اتصالات وگردانندگی تلویزیون تمدن راه اندازی شده بود، استاد برهان الدین ربانی یکی از اعضای شوری اخوت اسلامی به سخنرانی مبسوطی پرداخت وگفت: پیوند اخوت تنها یک شعار نیست، بلکه اساس ملت سازی و امت سازی در آن نهفته است، **ادامه در ص۳**

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر: دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۲۷۸۹۰

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

اخوت اسلامی
چگونه تحقق می یابد

اخوت اسلامی یعنی همبستگی و یکپارچگی مسلمانان یکی از ارزش ها و دست آوردهای اساسی دین اسلام است. آیات و احادیث فراوانی بر ضرورت تحقق اخوت اسلامی تأکید دارد. قرآنکریم می فرماید"إنما المؤمنون إخوة" همانا مسلمانان برادران اند" از پیامبر روایت شده که فرمودند: (المسلم اخو المسلم) مسلمان برادر مسلمان است.

اما اخوت و برادری دست آوردی است که در نتیجه تحقق وعملی شدن ارزش ها و گزاره های دیگر دینی به میان می آید، آن ارزش ها را می توان مقدمات و پیش زمینه های اخوت نامید. مسلمانان مکلف هستند آن پیش زمینه ها را به وجود بیاورند و برای تحقق اخوت اسلامی بستر سازی کنند.

برای ایجاد اخوت اسلامی در گام نخست باید جامعهٔ دینداران به میان بیاید، جامعهٔ که اساسات آن را ارزش های دینی تشکیل داده و هویت افراد آن در روشنی آن ارزش ها تعریف و مشخص گردد. چون اخوت اسلامی در جامعه یی تحقق می یابد که ارزش ها و آموزه های دینی در آن رعایت گردد.

در گام دوم، جهت تحقق اخوت اسلامی باید، در جامعهٔ اسلامی برابری و عدالت حاکم باشد و تمام شهروندان آن، دارای حقوق و امتیازات برابر باشند. هیچ کس احساس نکند که در مرتبه پایین تر از برادر و خواهر دیگرش قرار دارد. در جامعه یی که در ارزیابی و ارزشگذاری به افراد، معیارها و سطح دوگانه و یا چند گانه داشته باشد یکی بر دیگری حق بیشتر به دست آورد، غیر از پرهیزگاری و شایستگی، معیارهای دیگری در کار باشد و رنگ، پوست، زبان، ثروت و تبار معیار رجحان باشد هیچگاه اخوت به میان نمی آید.

در جامعه که تبعیض وحق تلفی باشد، و برابری رعایت نگردد برادری به میان نمی آید، چنانکه اگر در خانواده برتری دهی ناروا حاکم باشد و فرزندی بر فرزندی دیگر امتیاز داشته باشد، برادری واقعی به میان نمی آید و به زودی در آن خانواده جای محبت و همکاری را کینه ونفرت می گیرد.

برهمین اساس است که دین اسلام به عدالت و برابری تاکید فراوان نموده است، قرآنکریم می فرماید: (یا أیهاالناس إنا خلقناکم من ذکر وأنثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا إن أکرمکم عندالله أتقاکم)

- ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و ملت و قبیله ها گردانیدیم تا یکدیگر تان را بشناسید، همانا بهترین شما پرهیزگار ترین تان است". پیامبر فرموده است: (المسلم أخو المسلم لایظلمه و لایخذله) مسلمان برادر مسلمان است نه بر وی ستم می کند و نه او را بیچاره می سازد. و فرموده است: (المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه). مسلمان کسی است که با دست و زبان وی گزندی بر مسلمانان وارد نشود. و فرموده است: (لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی إلا بالتقوی) عرب بر غیر عرب فضیلتی ندارد و غیر عرب بر عرب برتری ندارد. برتری درمیان شما بر اساس تقواست.

پیش زمینهٔ دیگر اخوت اسلامی همکاری درمیان افراد جامعهٔ اسلامی است. افراد جامعهٔ اسلامی باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند و میان آنها روحیهٔ همکاری وجود داشته باشد. توانگران و ثروتمندان دست کمک به گرسنگان و بی نوایان دراز کنند و قدرتمندان به داد بیچارگان برسند.

برای تحقق این اصل دین اسلام تأکید فراوان نموده است، قرآن کریم فرموده است: (وتعاونوا علی البر و التقوی). در نیکو کاری و پرهیزگاری همکاری نمایید. پیامبر فرموده است: (لایؤمن من بات شبعاناً و جاره جائع) کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد مسلمان نیست.

استاد ربانی در بیانیهٔ خویش در همایش اخوت اسلامی تأکید نمود، اخوت برای ساختن ملت، امری اساسی بوده بدون آن وحدت ملی به میان نمی آید. اما چنانکه دیده می شود متأسفانه جامعهٔ ما باید راه درازی را برای رسیدن به اخوت اسلامی که جلوهٔ روشنی از وحدت ملی است بپیماید، فرهنگ پابندی به ارزش های اسلامی در جامعه نهادینه شود، برابری و عدالت تحقق یابد و روحیهٔ همکاری و همدردی در ضمیر شهروندان ریشه دار گردد.



زور مجاهدین و بحران افغانستان
تبصره یی بر موضعگیری ناتو دربارهٔ مجاهدین

بقیه از صفحهٔ اول

رسانه ها این سخنان ژنرال ریچارد وی بلانشت را در واکنش با سخنان استاد سیاف دانسته اند که او یک هفته پیش در همایش سالروز قهرمان ملی کشور احمد شاه مسعود ایراد کرده بود و در آن گفته بود تا مجاهدین وارد معرکه نشوند جنگ در افغانستان پایان نخواهد یافت و امنیت در این کشور تأمین نخواهد شد و به قول خودش به زبان عامیانه، تأکید کرد که: "اگر مجاهدین ای میدان نزنن پدر کس نمی تانه".

به باور راقم این سطور نه سخنان ژنرال ریچارد وی بلانشت به مفهوم رد مجاهدین است و نه سخنان استاد سیاف به مفهوم تقاضای قرار گرفتن مجاهدین در کنار نیروهای ناتو در جنگ، چنان که برخی رسانه ها یاد نموده اند.

چون ژنرال ریچارد در همین گفتگو تأکید کرده است از همهٔ کسانی که در ساختار اردوی افغانستان قرار دارند ناتو حمایت می کند و مسؤولیت جنگ را به عنوان نیروی داخلی، اردوی افغانستان به عهده دارد. این معلوم است که اردوی افغانستان نمی تواند غیر از جوانان افغانستان از کسانی دیگر تشکیل شود و ملت افغانستان همه مجاهدند.

شاید همین مساله سبب گردید تا ژنرال ریچارد وی در یک توضیح تصحیح گرانه بیان کند که: "پیوستن نیرو های مجاهدین در کارزار مبارزه برضد تروریسم کار دولت افغانستان است و به ناتو ارتباطی ندارد".

این که ژنرال ریچارد گفته است: "ما نمی خواهیم گروه های جهادی در مبارزه علیه تروریسم بیایند و باعث هرج و مرج و ناهماهنگی در میدان جنگ شوند"، به خوبی نشان می دهد که او مخالف ایجاد هرج و مرج است، و شاید این دیدگاه برای ژنرال از آن ناشی شده است که سرشت مجاهدین را با جنگ های نامتوازن و نا متقارب گریلایی و پارتیزانی آنان در دوران جهاد برضد نیروهای اتحاد شوروی گره خورده می دانند، در حالی که مجاهدین پرداختن به این جنگ ها را ناشی از نیازهای زمان و طبیعت جنگ با نیروهای شوروی و گستردگی و نا متمرکز بودن و نا برابر بودن آن می دانند.

اما وقتی از بازی به کلمات بگذریم، این سؤال به گونهٔ جدی مطرح می شود آیا آقای ژنرال ریچارد وی و رهبران ناتو باور دارند که نیروهای ناتو در جنگ برضد تروریسم در افغانستان به موفقیت هایی دست یافته اند؟ عدم موفقیت های مهم نیروهای ناتو در این جنگ، چیزی است که نه تنها تحلیل گران افغانستان بدان تأکید می کنند، بلکه به تکرار این سخن از سوی مسؤولان نظامی و سیاسی کشورهایی که در افغانستان نیروی نظامی دارند ابراز شده است.

نه تنها نیروهای خارجی در طی بیش از شش سال مبارزه برضد هراس افگنی در افغانستان پیروزی چشمگیری نداشته اند بلکه میان افزایش آنان از چند هزار نفر به بیش از ۷۰ هزار نفر و وخیم شدن اوضاع امنیتی و گسترش مناطق تحت نفوذ نیروهای مخالف مسلح تناسب معکوس وجود داشته است.

این امر نشان می دهد که افزایش نیروهای نظامی در این معرکه کارساز نبوده است، و چه بسا که این نیروها و بیشتر خارجی کردن درگیری انگیزه هایی تازه در جنگ و رویا رویی به مخالفان مسلح بدهد و باعث پیچیده تر شدن بحران شود.

یکی از مواردی بسیار آشکار که موجب هرج و مرج در معرکهٔ ضد تروریسم شده است و هر روز گروه هایی تازه به جمع آنان ملحق کرده است، کشتار غیر نظامیان و بمباردمان مناطق مسکونی اهالی است که به تکرار این کار انجام یافته است و فرماندهان ناتو هم نتوانسته اند هیچ توجیهی معقول از آن ارائه کنند.

با توجه به آنچه تذکر رفت هیچ دلیلی وجود ندارد که افزایش نیروهای بین المللی از ۷۰ تا بیش از صدهزار هم بتواند به این غائله پایان دهد.

پس راه حل چیست؟

راه حل باید در بازنگری های استراتژیک در سیاست غرب به ویژه ایالات متحده امریکا در افغانستان، و بازگشت فعال و عبرتناک مجاهدین به صحنهٔ سیاست و مدیریت جستجو شود.

راه حل باید در بازنگری های استراتژیک در سیاست غرب به ویژه ایالات متحده امریکا در افغانستان، و بازگشت فعال و عبرتناک مجاهدین به صحنهٔ سیاست و مدیریت جستجو شود

***

در بازنگری سیاست های غرب در افغانستان تنها اظهار نظرهایی از قبیل اظهار نظر اخیر سفیر انگلیس در کابل که گفته است باید با طالبان مذاکره شود و آنان در قدرت سیاسی شریک شوند کافی نیست، بلکه این بازنگری ها باید فراگیر باشد، به این معنی که غرب در دیدگاهش دربارهٔ برخی از مسائل تحولی بنیادی وارد کند، دیدگاه هایی که مشکل و بحران افغانستان اساساً از آن ها ناشی شده است.

در بازنگری سیاست های غرب در افغانستان تنها اظهار نظرهایی از قبیل اظهار نظر اخیر سفیر انگلیس در کابل که گفته است باید با طالبان مذاکره شود و آنان در قدرت سیاسی شریک شوند کافی نیست، بلکه این بازنگری ها باید فراگیر باشد، به این معنی که غرب در دیدگاهش دربارهٔ برخی از مسائل تحولی بنیادی وارد کند، دیدگاه هایی که مشکل و بحران افغانستان اساساً از آن ها ناشی شده است.

در پایان جنگ سرد زمانی که مجاهدین در پی فروپاشی اتحاد شوروی و رژیم کمونیستی در کابل به قدرت سیاسی در افغانستان دست یافتند. استراتژی های بسیاری از کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده در این تئوری توهم آمیز شکل می گرفت که به تعبیر آنان اسلام سیاسی را به عنوان اختابوتی به جای کمونیسم دوران جنگ سرد می نشاند و حکومت مجاهدین را نمادی از قدرت یافتن اسلام سیاسی می انگاشت.

نه تنها یکی از زمینه های مهم پایان دادن به بحران در افغانستان که کاستن از حدت درگیری و افراط گرایی در جهان اسلام با غرب در بازنگری در این دیدگاه نهفته است.

اگر جهان غرب با این برداشت های توهم آمیز از افغانستان دوران مجاهدین احساس خطر نمی کرد بی تردید امروز نه ما و نه جهان دچار چنین بحرانی نمی بودیم.

تا زمانی که غرب با تجمعات بزرگ اسلام سیاسی در جهان اسلام از جمله افغانستان که با حفظ خصایص و ویژگی های جوامع اسلامی به همکاری و تفاهم جهانی و انسانی باور دارند به تفاهم نرسد و دست از تحمیل الگوهایی ویژه و افرادی ویژه برندارد، ما پیوسته در این حوزه شاهد افزایش درگیری و افراط گرایی خواهیم بود.

بازگشت فعال مجاهدین نیز مستلزم یک سری بازنگری های استراتیژیک است، بازگشتی که باید درس های عبرتی از تجارب تلخ گذشته به همراه داشته باشد که شاید مهم ترین این درس ها ترتیب مجدد داخل خانهٔ مجاهدین باشد، ترتیب این کار چه در درون هر سازمان و چه در سطح کل سازمان های مجاهدین، باید صورت بپذیرد به گونه یی که همه نیروهای ملی خویشتن را در برنامه های آنان بیابند، راستی مجاهدین با بهره وری از زور گسترده به حضور فعال سیاسی هماهنگ با مقتضیات زمان و مرحله نیاز دارند. تا این نیروی گستردهٔ بالقوه را به فعل و حضور برسانند.

همه ضعف های مجاهدین چه در دوران بیش از این شش سال تحول اخیر و چه پیش از آن ناشی از بیرون نبوده است، بلکه یک سری از ضعف های مهم آنان منشأ درونی دارد، مجاهدین در صحنه های آزمایش و سرنوشت ساز شش سال گذشته در لویه جرگه ها و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی از طرح و تشکل همسو و هماهنگ برخوردار نبودند.

انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری مهم ترین زمینه یی است که می تواند معالم بازنگری غرب و به تعبیر دیپلوماتیک جامعهٔ جهانی در سیاست هایش و ظرفیت ها و شایستگی های مجاهدین را نمایش دهد.

بقیه از صفحهٔ اول

و به این ترتیب حیثیت پاکستان به عنوان یک کشور مستقل در ذهن اتباع این کشور زیر سؤال برود. حالتی که می تواند به تقویت بیشتر انگیزه برای جنگ و خشونت کمک کند.

وقتی خبر روی دست گرفته شدن این استراتژی جدید در مطبوعات امریکا به نشر رسید، رسانه ها به خصوص در سطح بین المللی در مورد به بزرگ نمایی پرداختند و حتی در مواردی امکان یک جنگ تمام عیار میان پاکستان و امریکا را نیز مردود نشمردند. در رسانه های داخلی ما مسأله طوری انعکاس یافت که گویا نیروهای امریکایی می خواهند تا بدون اطلاع قبلی یا هماهنگی با نیروهای پاکستانی دست به عملیات تجسسی و نظامی بزنند و مانند عملیات در افغانستان، دروازه های خانه های مردم را به لگد زده و افراد مشکوک را دستگیر و به زندان های خود در داخل افغانستان انتقال دهند. درحالی که استراتژی جدید ادامهٔ همان عملیات قبلی است احتمالاً با این تغییر که فاصلهٔ عملیات از نظر زمانی شاید کوتاه تر باشد.

سران قبایل تهدید کردند که در صورت حمله به مناطق شان، آن را با حمله به شهرهای افغانستان جواب خواهند داد. مقامات دولتی پاکستان نیز به صراحت اظهار کردند که در صورت هر حمله یی از خارج، به دفاع از خاک کشور خود آماده اند. این تهدید زمانی شکل جدی به خود گرفت که هلیکوپتر های امریکایی در نزدیکی انگور اده فرود آمدند و در منطقهٔ وزیرستان جنوبی قصد عملیات را داشتند که با آتش نیروهای پاکستانی مواجه گردیده و مجبور به بازگشت به افغانستان شدند. جنرال مراد خان سخنگوی اردوی پاکستان به صراحت گفت که پاکستان یک کشور مستقل است و به هیچ کشوری اجازهٔ حمله به قلمرو خود را نخواهد داد.

حملهٔ امریکا به افغانستان با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت گرفت، اما در مورد پاکستان چنین نیست. پاکستان عملیات نیروهای امریکایی در خاک خود را به این دلیل نیز تحمل نخواهد کرد که این کار نقض استقلال وتمامیت ارضی پاکستان است.

بعد از یازدهم سپتامبر که جورج بوش کشورهای جهان را به دو اردوگاه تروریست ها و ضد تروریست ها تقسیم کرد وگفت هر که با ما نیست با تروریست هاست، پاکستان در کنار امریکا قرار گرفت. این قرار گرفتن بدون قید و شرط نبود، بلکه پاکستان تعهد نمود که برضد القاعده با امریکا همکاری نماید. مقامات پاکستانی در سراسر این کشور بیش از پنجصد تن از افراد القاعده را دستگیر کردند و در مواردی که امریکا تقاضا داشت برخی از افراد طالبان حتی سفیر سابق طالبان در کشور خود را نیز دستگیر و همه را به امریکا سپردند. اگر همکاری پاکستان نمی بود، امریکا خود توان دستگیر کردن آنها را نداشت.

حمله به خاک افغانستان نیز بدون همکاری پاکستان امکان پذیر نبود. فضای پاکستان در اختیار امریکا قرار گرفت تا طیارات و موشک های کروز آن کشور افغانستان را آماج قرار دهد. روابط نزدیک میان اسلام آباد و واشنگتن موجب گردید تا در طول هفت سال گذشته به مشکلاتی که مناطق قبایلی آن سوی دیورند از طریق دامن زدن به خشونت ها برای نیروهای خارجی در افغانستان ایجاد کرده بود اهمیت

آیا استراتژی جدید امریکا جدی است؟



امروز هشتاد درصد اکمالات نیروهای خارجی در افغانستان از مسیر پاکستان صورت می گیرد. اگر امریکا دست به اقدامی علیه پاکستان بزند که موجب خشم این کشور گردد، برنامه یی را که امریکا در افغانستان به راه انداخته به شکست کامل مواجه خواهد شد. در این منطقه هیچ کشوری در همسایگی افغانستان وجود ندارد که چنین امکانی را در اختیار امریکا قرار دهد.

***

به نظر نمی رسد که امریکایی ها آن قدر ساده اندیش باشند که پاکستان را از دست بدهند.

چندانی داده نشود.

نمی توان باور کرد که امریکا از این مداخلات ناآگاه بود، اما امریکا نیز مشکلات و محدویت های خود را داشت. نیروهای امریکایی در افغانستان یعنی در کشوری که به دریا راه ندارد سرگرم عملیات نظامی بودند و نزدیک ترین و در عین حال مطمئن ترین مسیر اکمالات لوژستیکی برای این نیروها خاک پاکستان بود.

امروز هشتاد درصد اکمالات نیروهای خارجی در افغانستان از مسیر پاکستان صورت می گیرد. اگر امریکا دست به اقدامی علیه پاکستان بزند که موجب خشم این کشور گردد، برنامه یی را که امریکا در افغانستان به راه انداخته به شکست کامل مواجه خواهد شد. در این منطقه هیچ کشوری در همسایگی افغانستان وجود ندارد که چنین امکانی را در اختیار امریکا قرار دهد.

یکی از امیدهای نیروهای ناتو در افغانستان این بود که، فدراسیون روسیه در این مورد با ناتو همکاری نماید و اجازه دهد که مواد سوخت و وسایل مورد نیاز این نیروها در افغانستان از طریق روسیه و کشورهای هم پیمان با روسیه به افغانستان منتقل گردد. برای این کار امریکایی ها در بندر حیرتان قصد ساختن انبارهای بزرگی را برای ذخیرهٔ این مواد داشتند و البته مقداری مواد هم تا کنون از این طریق انتقال می یابد، اما با بحران روابط میان روسیه و غرب بر سر قضیهٔ گرجستان، این مسیر نیز مطمئن نیست.

ضمیر کابلوف سفیر روسیه در افغانستان تهدید کرده است که اگر روسیه همچنان در قضایای افغانستان از طرف غرب در حاشیه نگهداشته شود، احتمال دارد که روسیه انتقال مواد از این مسیر را بروی نیروهای خارجی در افغانستان ببندد.

این سخنان کابلوف زمانی در مطبوعات انعکاس می یابد که روابط میان امریکا و پاکستان رو به سردی می رود. در چنین حالتی سخنان کابلوف و بحران روابط میان روسیه و غرب برای پاکستان بسیار خوش آیند است. به همین دلیل است که امریکا در برابر آتش باری نیروهای پاکستانی بر روی نیروهای امریکایی در منطقهٔ انگوراده عکس العملی نشان نداد.

در حالی که انتخابات ریاست جمهوری در امریکا نزدیک می شود و به نظر می رسد، که جمهوری خواهان شانس چندانی برای پیروزی ندارند. ناکامی در عراق و بحران اقتصادی در امریکا شانس پیروزی سناتور مک کین را کاهش می بخشد. طالبان در افغانستان نیز برخلاف انتظار در ساحهٔ وسیعی از کشور امکان حضور یافته اند و حتی نظامیان بلند پایهٔ امریکایی از دشواری مأموریت افغانستان و احتمال شکست در آن سخن گفته اند.

در شرایط فعلی امید جمهوری خواهان اینٔ است که اجازه بیابند تا در داخل مناطق قبایلی دست به عملیات بزنند به این امید که قبل از فرا رسیدن انتخابات امریکا صلح و ثبات را به افغانستان بازگردانند و به این ترتیب دست آوردی در انتخابات داشته باشند. کاری که در این مدت کوتاه ناممکن به نظر می رسد.

اما یک امکان دیگر نیز به دور از احتمال نیست و آن این که در آستانهٔ انتخابات امریکا، اسامه بن لادن دستگیر گردد و بوش بتواند آن را به عنوان یک موفقیت بزرگ دوران ریاست جمهوری خود به نمایش بگذارد و شانس مک کین را برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری بیشتر سازد. همان گونه که یک پیام اسامه بن لادن در هنگام انتخابات ریاست جمهوری گذشته موجب انتخاب مجدد بوش گردید.

به نظر نمی رسد که امریکایی ها آن قدر ساده اندیش باشند که پاکستان را از دست بدهند. از دست دادن پاکستان به معنی شکست کامل در افغانستان و شکست همهٔ تلاش هایی است که به نام مبارزه علیه تروریسم تاکنون صورت گرفته است و امریکا هرگز چنین نمی خواهد. پس پاکستان همچنان در صحنهٔ این کشمکش نقش کلیدی خویش را خواهد داشت.

دومین اجلاس اخوت اسلامی ...

زیرا پیغمبر در نخستین روزهایی که به مدینه مهاجر شد، موضوع اخوت اسلامی را به امر پرودگار خویش، در میان مهاجران و انصار مطرح کرد و دولت و امت اسلامی به اساس این شعار پایه گزاری گردید. استاد افزود: دولت سازی وملت سازی یکی از نیازهای هر جامعه است، تا وقتی که ملت ها ساخته نشود دولت های قوی ومردمی به میان نمی آید. استاد با ذکر اهمیت اتحاد و یکپارچگی درمیان مسلمانان پیامدهای ویرانگر تفرقه و اختلاف را یاد آوری نموده اظهار داشت: اختلافات همیشه باعث ضعف وناتوانی مسلمانان گردیده است، چنانچه دو خلافت اسلامی یکی دراندلس ودیگری خلافت عثمانی در نتیجه اختلاف ازهم پاشید. وی در ادامهٔ صحبت خویش، مردم افغانستان را به وحدت وهمگرایی فراخواند وتأکید کردکه ما باید متوجه باشیم که دشمنان میان ما اختلاف ایجاد نکند.

استاد، از علما، دانشمندان، استادان دانشگاه های اهل قلم خواست سعی کنند برادری و اخوت را به یک فرهنگ تبدیل نمایند. آیت الله سید آصف محسنی رئیس شوری اخوت اسلامی با استشهاد به قرآن کریم، امت اسلامی را بهترین امت روی زمین خواند و افزود: فرهنگ اسلامی سرمایه و افتخار بشریت می باشد. آقای آیت الله محسنی هوشیاری وبیداری مسلمانان در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان را مهم خواند.

آیت الله فرقه های اسلامی بخصوص تشیع وتسنن را به همگرایی و پابندی به اصول اسلامی که اختلافی با هم ندارند دعوت نموده از اختلافاتی که ازمسایل فرعی ناشی می شود هشدار داد.

آقای محمد محقق نماینده مردم کابل در شورای ملی، سخنران دیگری بودکه پیرامون اخوت وبرادری صحبت نمود، وی گفت: ایمان وعقیده عامل اصلی همه پیوندها بوده ارزش آن فراتر از دیگر مسایل می باشد. وی ضمن برشمردن صفات مؤمنان، ملت مسلمان افغانستان را به هماهنگی و برادری دعوت نموده برضروت احترام متقابل وحسن روابط بایکدیگر تأکید کرد.

در پایان این همایش میزگردی به اشتراک صاحب نظران، هریک آقای آیت الله صالحی، سناتور عرفانی، الحاج دین محمد والی کابل، فضل احمد معنوی، مولوی حق پرست و مولوی عبدالمتین دایرگردیدکه پیرامون ضرورت وحدت واتفاق امت اسلامی و چالش های امت اسلام صحبت نموده راه های برون رفت را پیش بینی نمودند. محفل باخوانش اعلامیه به پان رسید.

د غمرازۍ پیغام ...

مونږ یو خل بیا د ترهګرۍ پرخلاف پر خپل همیشني دریغ باندې ټینګار کوو او هر ډول دار اچونه او ترهګري د هېواد په دننه او بهر او په نړیواله کچه په کلکه غندوو، د شهیدانو له کورنۍ او همسنګرو مجاهدینو سره په غم او خپګان کې خان شریک بولو.

لوی خدای دې شهیدانوته لوړې درجې او د دوی پاتې کسانو او دوستانو ته جمیل صبر او زغم ور په برخه کړي.

آمین

د افغانستان د اسلامي جمعیت دارالانشاء

کابل ـ مرکزي دفتر / ۱۳۸۷/۶/۲۴

قصه نا تمام

عبدالاحد تارشی

باکوهسار قصهء تو ناتمام ماند
آغاز شد حکایت وبی اختتام ماند
دریا برای خیزش مستانهء دیگر
از تو در انتظار وصول پیام ماند
بر شاهراه آتش وخون تا دیار عشق
از بهر رهروان زتو آثار گام ماند
ای زخمهای سینهء تو مرهم وطن
بی تو جراحتش همه بی التیام ماند
سروکنار جوبه امید عبور تو
دست ادب به سینه وبرلب سلام ماند
ای رند آخرین که زمیخانه رفته یی
مستی رمید بی تو وبی باده جام ماند
دست ستاره کار توتا سوخت چون شهاب
ای مهر، ماه روی تو رفت وظلام ماند
سجادهء نماز وفای تو دشت سبز
در انتظار قامت سرخ قیام ماند
ای شیرمرد یورش مردانه ات چه شد
شمع وطن بسوزد وپروانه ات چه شد
درجستجوی قامت تو آسمان گریست
کوهی که سرکشیده سوی کهکشان گریست

پیوند رنگ با گل وعطر است با بهار
با کشور ستمزده پیوند جان تو
بستی دوچشم مست ومگر کوه ودره را
پر گشته دامن از نگهء مهربان تو
ای شاهباز قلعهء عشق آفرین ترا
جانت زدست رفت ونرفت آشیان تو
باهایهای گریه دگرباره ازغمت
هنگامه ها بپاشده هرجا به ماتمت
زان روزهای حادثه ساز دلاوری
درحیرتند مهر ومه وچرخ چنبری
مردی چو صخره سینه سپر کرد نزد سیل
سیل وطنفروشی وسیل ستمگری
ازبین خون وشعله برافراشت قد چوکوه
زد مشت آهنین به سرکفر وچاکری
به به ازان شجاعت وبخ بخ ازان قیام
زان دلنشین قیادت وزان طرفه رهبری
برصفحهء زبانهء اتش نوشت ورفت
درسی زعشق خاک یکی مرد سنگری
کاین خطه را نکرده اجانب گهی غلام
وین ملک را نکرده گهی غیر سروری

هان ای عقاب گفته به کهسار الوداع
پرواز سوخت از غمت وآشیان گریست
بر دره دره رفت وسراغ ترا گرفت
مهتاب چشمه چشمه سرشک روان گریست
چون جاودانه گشته به دلها غمت مقیم
باید همیشه سوخت زغم ، جاودان گریست
ازباغ تا بهار قدم داشتی دریغ
پژمرده گشت واز غمت ای باغبان گریست
گفتم حکایت تو کشم درصحیفه یی
دود ازقلم بلند شد وداستان گریست
شام غروب تو نه یکی لحظه بود وبس
درامتداد روز وشب خود زمان گریست
برقطره قطره خون تو این خاک سینه چاک
با رود رود اشک وفا خونچکان گریست
ایام گریه خیز عروجت رسید باز
بر این شرر نسیم عزایت وزید باز
ای خفته زیر خاک تن خونچکان تو
ای دشت دشت لالهء حمرا نشان تو
تصدیق کامیابی تو کرد روزگار
با خط سرخ تا که گرفت امتحان تو
یک حرف با زبان شهادت بگو که تا
گلهای سرخ باغ شود ترجمان تو
پیغام آبگینه وشت ناتمام ماند
نیلاب اگرچه شرح دهد بازبان تو

او در هجوم مرگ پیام حیات بود
باغی زمیوه بود به هنگام بی بری
تصویر عشق روید وتندیسهء ثبات
کارند نام وی چو به گلزار داوری
آنانکه عاشق اند به دین ودیار خویش
آزاده اند وصاحب دار وندار خویش
سردار قهرمان جهاد ای همه وفا
پیمان مام میهن ودین خدای را
ایستاده یی به معبر تاریخ سربلند
شد زیر خاک اگرچه ترا قامت رسا
ازقلب های سوخته گلپوش می کنند
آزادگان مزار ترا لحظهء دعا
درخاطرات مردم ارزنده زنده یی
درسینه های غمزده داری همیشه جا
ای چاک چاک سینه ات از غدر دشمنان
زخم تراست رحمت حق بهترین دوا
با خون تو تجارت رنگین نمی کنند
آنانکه صادق اند وبمثل تو بی ریا
پیوند حسن وعشق بود ناگسستنی
نام وطن نمی شود ازنام تو جدا
چون آفتاب سوخته درشعلهء شفق
تصویرتوست درشب غم پیش دیده ها
فرزند نامدار وطن زنده نام توست
سرسبز باغ خاطره ها ازقیام توست

حسرت!

محمد اسحاق فایز

تقصیر من چه است که اینگونه ام غریب
در قاف های غربت این خاک، بی نصیب
از مهر دوستان
و ازحس گُنگِ سنگِ بسر خورده مان تهی.
من از چه خاک سر زده ام گُنگ و تلخ بار؟
من از کدام اصل سرِشتیده گشته ام،
از یأس های مانده به هررهگذارها؟
یااز عقوبتِ بدِ تاریخ زنده گان
لبریز و واگذار شده با هزار درد؟
شب گاهیان، در گهِ سرشار تیره گی
پرسیدم از ستاره گکی زآسمان پیر:
_"وقتی که این زمین ،
وقتی که رود ها،
هستند دل فراخ و فراخیده دست وکان،
ما ازچه روستیم
دراین زمان واهمه انگیز و زود گشت
اینگونه بی شگیب
دل تلخ دانه گال، ز هرتلخ مایه ای
گردیم بیدرنگ
دل تکه تکه تگهٔ هر اشتباه خویش؟"
من درد می کشم
وقتی که مشکنند ز دستم بلورعشق
باسنگ های خارهٔ نسیان زنده گی
من مشکنم به سان حبابی که مشکنند
از لرزش نسیم
بر روی برگ ها
شاید کنار صخره یک چشمه در بهار
وقتی که مرغکان دل آشفته می زنند
پر های خویش را
با پرتو بهاری خورشید دوره گرد
روی حصار روشن و شفاف شیشه ئیش .
آهای، آی، آی،
من با شما ستم!
ای راهیی زمانهٔ من، سرنوشت من!
درگردِ راهِ خویش
مارا گُمیده اید چرا زار و نا امید
کز خوف آن کسی
در شهر "خون و خاک"......*

امسال کس سراغ نفسهام را نکرد
امسال من شکسته سر و دلشکسته تر
در انزوای تلخ عقوبت ستاده ام
دستی کجاست تا سپرم گرم هردو دست
بردست های او
و آنجای سرگذارم و لختی بمویما:
_"واحسرتا ز خاطر یاران فتاده ام
واحسرتا چه مایه که تنهابمانده ام"
ای سنگِ سنگِ سنگ!
اینگونه بوده ایم
اینگونه بوده اند
اینگونه بوده ای.
گفتند این فسانه چنین راویان درد:
_"انسان
این راویی زخشم کسی، رانده از بهشت
وقتی سخن سرا شود و ناله سر کشد
کاندر درون خویش
دق مانده مانده گریه کند همچو شب خموش
تاریک و ژرفناک.
اما و صد دریغ
با این ندامتی که کشیدم همیشه من
برچهر روح خویش کشیدم مهِ سیاه
آنگونه ئی که می خزد آنه مهِ هراسناک
در لحظه های اندُه ویرانیی دلی
آرام وبیصدا.
افسوس و صد دریغ
وقتی که من برهنه تر از بارش خدا
برروی سنگ فرش دلم، گریه می کنم
مانند توستم، شبا! تار و عور و لُج
مسکوت و ژرفناک
پرزالتهاب خواب
تا باز برلبان چه شعر و چکامه ای
فریادبرکشم:
" آیا کجاست خلوتِ خاموش در زمین
خواهم که روح خویش کشانم درآن سکوت
وآنجا کنار خویش بگویم به گوش او:
_"کای دورمانده زاصل و تبار و گُهر برو
بازش بجو، بروا!"......**

جداسازی فارسی و پشتو در مکاتب

پیامدها و چالش ها

تکساری



اصلاً برای تقویت زبان چه فارسی، چه پشتو، چه ترکی و چه سایر زبان ها، باید راه های منطقی و طبیعی را جستجو کرد و از برخورد تعصب آمیز در زمینه پرهیزکرد. این کار نه تنها این که فایده یی برای هیچ زبانی ندارد بلکه در مواردی زبان هایی به آن زبان نیز وارد می کند. فرهنگیانی که خواهان تقویت زبان خویش اند، نباید به سیاستمداران و زمامداران القاء کنند تا زبان آن ها را از طریق برنامه های رسمی حکومتی و با صدور احکام و فرامین تقویت نمایند. باید خودشان دست به کار شوند و همت کنند از طریق طبیعی و فرهنگی برای تقویت زبان خویش کار کنند، کتاب بنویسند و داشته های فرهنگی زبان خویش را کشف کنند

وزارت معارف قبلاً اعلان نموده بود که در صدد جداسازی صنوف فارسی و پشتو در مکاتب شهر کابل می باشد، شنیدم که اجرای این طرح در برخی از مکاتب شهر کابل آغاز گردیده است. طرفداران این جدا سازی استدلال می کنند که هر کس حق دارد به زبان مادری خویش بیاموزد. بنا بر این لازم است، صنوف مکاتب بر اساس زبان تقسیم شود. اما این طرح در کابل مخالفانی زیاد دارد که من نیز از این جمله می باشم، به نظر من زبان آموزش زبانی باید باشدکه برای آموزنده فهم آن آسان تر و دارای ظرفیت های خوبتر باشد.این فلسفه زبان است، یعنی وسیله افهام و تفهیم، سیاست جداسازی در مکاتب برای شماری از کودکان که پشتون هستند، اما زبان فارسی را خوبتر می فهمند و شاید برای شماری از کودکان غیر پشتون که زبان پشتو را بهتر می فهمند دشواری هایی فراوان به بار می آورد و وقت بیشتر آنها در یاد گرفتن زبان ضایع می شود.

آغاز واجرای این طرح در کابل قابل تامل است، در کابل فرهنگ شهر نشینی به میان آمده، از قدیم الایام درمیان مردم عادی این شهر هیچ نوع اختلاف قومی و زبانی وجود نداشته است، همزیستی و وحدتی که درمیان شهروندان این شهر وجود دارد می تواند نمونه و الگوی وحدت ملی قرار گیرد و حتی تحریکات شماری از سیاستمداران که از زبان و فرهنگ جهت برآورده شدن اغراض قومگرایانه و سیاسی خویش استفادهٔ ابزاری نموده اند، تأثیری چندانی نداشته است. جداسازی کودکان و جوانان این شهر، که طرح همان سیاستمداران غرض ورز است می تواند هدف های آن ها را برآورده سازد. اما برای مردم عادی زیانبار بوده و تفرقه و پراگندگی را به میان می آورد و به همزیستی مسالمت آمیز و وحدت شهروندی ضربهٔ شدیدی وارد می کند. تجزیه صنوف به زبان های دری و پشتو دغدغه های زبانی و بی اعتمادی را در یک چنین جوی نامناسب که از هر طرف این کشور را نشانه گرفته است به وجود خواهد آورد.

به باور اکثر صاحبنظران این طرح مشابه طرح های پیشین است که به منظور تقویت یکی از زبان های رسمی کشور یعنی زبان پشتو به راه انداخته می شود، این طرحی است که توسط یک پلان رسمی حکومتی و از بالا اجرا می شود.

تجربیات تاریخی ثابت نموده است که این استراتژی راه درست و طبیعی تقویت زبان پشتو نبوده و متاسفانه در گذشته هیچ موفقیتی در پی نداشته است. کورس های آموزش زبان پشتو در زمان حکومت ظاهرشاه و پشتوسازی آموزش و پرورش از جملهٔ این طرح هاست.

در دههٔ سی خورشیدی وقتی در ولسوالی شغنان ولایت بدخشان اولین مکتب ابتدائیه از سوی وزارت معارف ایجاد گردید، به بهانهٔ این که زبان مردم شغنان فارسی نیست زبان درس و تعلیم را زبان پشتو قرار دادند، اما طی سالیان متمادی کسی نتوانست در آنجا زبان پشتو بیاموزد. امروز زبان آن ها فرهنگ وتعامل آنها همان زبان فارسی است. طوری که همه می دانند همه شعرای این منطقه شهکاری هایی را در زبان فارسی به وجود آورده اند که می توان از عدیم شغنانی بالعجاله نام برد. ناگزیر در سال های اخیر تدریس در مکاتب شغنان به زبان فارسی دری تحول نمود. از تجربه های دیگری که می توان در خصوص این امر به آن اشاره کرد، الزام تدویرکورس فراگیری زبان پشتو در حاکمیت محمد ظاهرشاه برکارمندان دولت است، که با زور و اکراه برآن ها اعمال می گردید و بعد از چند سال طوری که دیده شد کارمندان دولت زبان پشتو را یاد نگرفتند این طرح نیز مانند سایر طرح هایی از این دست به ناکامی مواجه گردید.حبیب الله رفیع یکی از فرهنگیان زبان پشتو آن طرح ها را دسیسه یی می داند در برابر زبان پشتو، دلیل این کار همان اجبار و اکراه است، در حالی که آموزش و پرورش یک کار اجبار پذیر نیست، فقط علاقه و آمادگی ذهنی است که شاگرد و محصل چیزی را فرا می گیرد و به حافظه می سپارد. فرآیند و نتایج این کار به یقین با دشواری هایی مواجه خواهد گردید و گره یی را به گره های دیگر به ویژه در آموزش و پرورش خوهد افزود.

هر که ناموخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

سیاست جدا سازی مکاتب به دو زبان فارسی و پشتو، اگر ضروری هم باشد، باید کاملا داوطلبانه، بدون جبر و اکراه و دور از تعصبات قومی و زبانی صورت گیرد. باید مصلحت دانش آموز در نظر گرفته شود که با کدام زبان می تواند به خوبی بفهمد و بیاموزد.بدون شک شماری از کودکان پشتون زبان فارسی را خوب تر می فهمند و ممکن است عده یی ازکودکان غیر پشتون باشند که زبان پشتو را بفهمند، باید در جدا سازی صنوف مکاتب، زبان واقعی و عملی مورد اعتبار قرارگیرد و نباید با برخورد تعصب آمیز زبان نژادی را که شاید برخی آن را هیچ ندانند مدار اعتبار قرارداد.

اصلاً برای تقویت زبان چه فارسی، چه پشتو، چه ترکی و چه سایر زبان ها، باید راه های منطقی و طبیعی را جستجو کرد و از برخورد تعصب آمیز در زمینه پرهیزکرد. این کار نه تنها این که فایده یی برای هیچ زبانی ندارد بلکه در مواردی زیان هایی به آن زبان نیز وارد می کند. فرهنگیانی که خواهان تقویت زبان خویش اند، نباید به سیاستمداران و زمامداران القاء کنند تا زبان آن ها را از طریق برنامه های رسمی حکومتی و با صدور احکام و فرامین تقویت نمایند. باید خودشان دست به کار شوند و همت کنند از طریق طبیعی و فرهنگی برای تقویت زبان خویش کار کنند، کتاب بنویسند و داشته های فرهنگی زبان خویش را کشف کنند، در این صورت است که مردم می روند به کتاب ها و تولیدات فرهنگی آنها مراجعه می کنند و از روی شوق و علاقه آن زبان را می آموزند. این راه طبیعی رشد هر زبانی است، زبان های مهم دنیا از این طریق رشد کرده اند.

محدودیت های اقتصادی، کادری و فرهنگی افغانستان باید دراین طرح مد نظر قرار گیرد، آیا کسانی که اکنون جهت تطبیق این طرح اشتیاق و عجله نشان می دهند فکر کرده اند که ما صنف و آموزگار کافی برای آن داریم؟ آیا در مورد پیامد های دراز مدت آن که هنگام تحصیلات عالی در پوهنتون ها آشکار می گردد فکری شده است؟ و برای آن پی آمدهای زیانبار چاره اندیشی صورت گرفته است.

اکنون در اکثر مکاتب کابل فارسی و پشتو هر دو تدریس می گردد، اگرچه فارسی بیشتر مورد استفاده است، اما این کار به صورت داوطلبانه و به عنوان یک سنت فرهنگی با رضایت متعلم و معلم و والدین صورت می گیرد و بدون اجبار انجام می یابد، از گذشته فارغین مکاتب تا اندازه یی به هر دو زبان آشنا می شدند، فارسی زبانان و ترک تبارانی که از مکاتب کابل فارغ می شوند تا اندازه یی زبان پشتو را می آموزند. طرح جداسازی این امکان و امتیاز را از زبان پشتو سلب می کند، همچنان که شماری از کودکان پشتون، دیگر فارسی یاد نمی گیرند. زبانی که گذشته و تاریخ آنان را نیز به دوش می کشد.

سیمه ایزه جرګه او جرګه ګی...

په دې اړه ډېرې پوښتنې او غوښتنې شته چې په لنډه توګه ورته اشاره کوو:

۱- سولې او امن ته ټول اړتیا لري او ترهګري یوه نړیواله ستونزه ده خو د افغانستان دولت او خلک تر ټولو زیات او له هر څه او هرچا نه مخکې ورته اړتیا لري. همدا لامل و چې د سولې د سیمه ایزې جرګې د جوړېدو لپاره پراخې هلې ځلې زمونږ د دولت له خوا پیل شوې چې نړیوال ملاتړ هم ورسره و. په ځانګړې توګه د امریکی د متحده ایالتونو!

۲- زمونږ هیواد ډېرې ستونزې لري چې په دې لړکې امنیتی ستونزه تر ټولو ستره او مهمه ده. افغانستان پوخ باورلری چې ترهګردپاکستان له خاوری نه راځي اوهم هلته د دوی د سنبالولو مرکزونو شته. نو کیدای شی چې د جرګې له لاری او دجرګې دپریکړې له مخې دامرکزونه و تړل شی او نورترهګردې خواته راوانه وړي.

۳ - کیدای شی چې جرګه، حکومتونه و هڅوی اودې ته یې اړکاندي چې دترهګروملاتړ پرېږدي او د ورورولی د فضا د رامنځ ته کولو په موخه کار وکړي.

۴- که د کرښې د دواړه خواوو ولسونو ترمنځ د غلط فهمی او بی اعتمادی لانجه موجوده وي. نو دمخامخ خبرو او ګډې جرګې له لارې حل کیدای شي او دښمنو او ټینګو اړیکو لپاره لاره هوارېږي.

۴- ستونزې او تیندکونه

په دې کې هیڅ شک نشته چې په جرګه کې خیراوبرکت شته نو مسلمانان او په خاصه توګه افغانان دې دستونزو حل لپاره جرګې ته مخه وکړي. جرګه د کورنۍ په کچه دکلي، باندې او سیمی، هیواد یا هیوادونو په کچه کولای شی چې ډیر مشکلات اوغلط فهمی ورکې کړي او له منځه یې یوسی او دیوښه او با اعتماده ژوند. چاپیریال اوګاونډیتوب لپاره ګټوره ثابته شی. خو د دې جرګه ښستیزه نیمګړتیا په دې کې ده چې د ستونزې اصلی اړخ یعنی دکرښې د دواړه خواو طالبان په کې برخه نلري او نه غواړی چې په کې برخه واخلي!

دا نیمګړتیا د "ښن" په ناسته کې هم وه چې د جګړې د یو اصلی اړخ یعنی طالبانو له ګډون نه پرته په کې پریکړې وشوې او ډېرې هغو کسانو په کې شتون درلود چې افغانستان کې د ننه له مؤثریت نه برخمن نه وو. یوازې اسلامی دولت (ملي متحده جبهه) چې د جګړې بل لورې و. حضور درلود او نور ټول غیر مؤثر اړخونه وو. نو ښکاره خبره ده، ترڅو چې د جګړې او یا ستونزې اصلی لوري په جرګو یا هر ډول خبرو اترو کې برخه وانخلي او د هغوی غوښتنې په پام کې ونه نیول شي؛ دا هلې ځلې او جرګې او جرګه ګۍ به د یاد وړ کومه لاس ته راوړنه ونه لري

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در دومین اجلاس اخوت اسلامی:

اختلاف همیشه باعث ضعف و ناتوانی مسلمانان می شود



الحمدالله رب العالمین، والصلاة والسلام علی سیدنا و مولانا محمد صلی الله علیه و سلم وعلی آله و أصحابه و من دعا بدعوته إلی یوم الدین.

علمای محترم، حاضرین مجلس!

السلام علیکم و رحمة الله

در آغاز از همه دست اندرکاران رسانه های آزاد که برای اجلاس اخوت اسلامی کار کردند، قلباً اظهار سپاس می کنم. اخوت در میان مسلمانان از قضایای فرعی شرع نیست. خداوند در قران عظیم الشان اخوت اسلامی را یک اصل در جوامع اسلامی می خواند: **(إنما المؤمنون إخوه)**. پیوند اخوت اساس ملت سازی و اساس امت سازی می باشد. پیامبر در اولین روزهای هجرت که در مدینه منوره، اساس جامعه جدید و اساس امت اسلامی را گذاشتند به دو اقدام مهم مبادرت نمودند. اقدام نخست مواخات بود. اگرچه مسلمانان با هم برادرند، اما پیامبر در آن روزها در صدد بود که این برادری به عنوان یک فرهنگ درمیان مسلمانان ریشه دار شود، رسول اکرم (ص) با عملی ساختن مواخات مسلمانان را که زندگی قبایلی دوران جاهلیت آنها را به پارچه های متعدد و گروه های متخاصم و دشمن تبدیل نموده بود به برادر و یک ملت مبدل ساخت.

اخوت در اسلام، تنها یک پیوند اعتقادی، عاطفی و اخلاقی نیست، بلکه یک برنامهٔ عمل است که هر مسلمان خود را در برابر مسلمان دیگر به عنوان همکار و جزء یک جامعه احساس کرده و در غم و شادی یکدیگر خود را سهیم می دانند. بدون رعایت مصالح یکدیگر امت اسلامی و دولت اسلامی تشکیل نمی شود.

دولت سازی و ملت سازی یکی از نیازهای عمدهٔ هر جامعه است، عمده ترین مشکل کشورهایی که می خواهند به ثبات و قوتمندی دست یابند، دولت سازی و ملت سازی است. تازمانی که ملت ها ساخته نه شود دولت ها ساخته نمی شود، دولت های که پایه قدرتمند مردمی وملی نداشته باشند قابل دوام نیست. عمیق ترین پیوندی که ملت ها را یک پارچه می سازد. پیوند دینی، اعتقادی و اخلاقی و همچنان پیوند سیاسی است.

حضرت عمر (رض) در این مورد به یک موضوع دلچسپ اشاره می کند می گوید: (لاإسلام إلا بالجماعه ولا جماعه إلا با الطاعه) اسلام به عنوان یک واقعیت نمی تواند تبارز بکند تا این که ملت ها وجماعت ها ساخته نشود و جماعت و امت به میان آمده نمی تواند تا این که نظام نباشد، یعنی اطاعت از قانون و حکومت نباشد.

دومین قدم پیامبر در مدینه عقد یک قرار داد بود به نام پیمان مدینه یا دستور مدینه، این پیمان قانون اساسی مدینه بود که گام مهمی در جهت دولت سازی و ملت سازی در مدینه به شمار می رود.

این دو اقدام قسمی که دیده شد تحولی بزرگی را در جامعهٔ اسلامی مدینه به وجود آورد، قرآنکریم می فرماید: **(واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا و اذکروا إذ کنتم أعداءً فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا)** این آیت زمانی نازل شد که پیوند اخوت و پیوند امت سازی با عقد مواخات به میان آمده بود، پیش از اسلام در میان قبایل عرب روی قضایای بسیار پیش پا افتاده، صد سال و صد بیست سال جنگ شعله ور بود، زمانی که آنها بر مبنای اسلام و عقد مواخات با هم برادر شدند، این جنگ ها و دشمنی ها از میان برداشته شد.

امروز دشمنان درمیان ملت ما تفرقه ایجاد می کنند، درگذشته ها نیز آنها این کار را می کردند. درپیام رئیس جمهور هم این حقیقت بازتاب یافته و ذکر شده بود که دشمنان همیشه تفرقه ایجاد کردند. تفرقه همواره باعث ضعف و شکست مسلمانان می گردد. دو خلافت اسلامی در نتیجهٔ تفرقه نابود شدند، خلافت در اندلس و خلافت عثمانی. خلافت در اندلس به علت اختلافی که درمیان اقوام و قبایل مختلف ایجاد شد، سقوط کرد و بزرگترین ضایعه در جهان اسلام را باعث گردید. یک متفکر فرانسه یی می گوید: سقوط خلافت نه تنها یک فاجعه برای مسلمانان بود، بلکه تمدن غرب را هفت قرن به تأخیر انداخت. خلافت اسلامی عثمانی چگونه از میان رفت؟ وقتی که درمیان ترک و عرب توطیه اختلاف به میان آمد و سرانجام خلافت ضعیف شد و به عنوان مرد بیمار شهرت یافت و به زودی سقوط کرد.

این آیتی که تلاوت کردم زمانی نازل شد که یک منافق به نام اوشات ابن قیس که اصلاً یهودی بود. دید که مسلمانان بنا بر حکم اسلام درمیان هم اخوت و محبت دارند، او به فکر آن شد که از کدام راه در میان آنان، اختلاف ایجاد کند. البته عده یی از توطیه گران از بعضی قضایای تاریخی به عنوان انگیزه اختلاف استفاده می کنند. آن مرد یهودی روزی درمیان مسلمانان گفت در گذشته در بین شما جنگ صورت گرفت و کشت کشتارهای زیاد شد، اما شما بازهم دوستی و محبت می کنید" اوشاث ابن قیس اشعاری را که در دوران جاهلیت سروده شده بود و اختلاف برانگیز و تحریک آمیز بود خواند. نزدیک بود که در میان مسلمانان اختلاف و برخورد ایجاد شود. تا این که آیهٔ فوق نازل شد.

اختلاف همیشه باعث ضعف و ناتوانی مسلمانان می شود، اختلاف در فرهنگ اسلامی رذیلت است، اخوت و برادری فضیلت است. به این اساس هرگاه رذایل اختلاف در جامعهٔ اسلامی ریشه بدواند، فضایل اتفاق و وحدت از بین می رود. اختلاف باعث می شود که قوت و نیروی مسلمانان به ضعف و ناتوانی تبدیل شود.

بناءً ما به اتفاق سخت نیاز داریم. من از تشکیل شورا اخوت اسلامی که به همت تعدادی ز علمای تسنن و تشیع صورت گرفت قدردانی می کنم، گرچه این شورا هنوز گام های نخست خود را بر می دارد، اما یک روزنهٔ امید برای تقویت پایه های اخوت و برادری در میان ملت ما به وجود آورده است.

امیدوار هستم این شورا قوت بیشتر پیدا کند، من از رسانه ها تقاضا دارم، ایجاد اخوت و یکپارچگی ملی را یکی از اهداف خویش قرار دهند و نباید یک سال انتظار بکشند تا ماه مبارک رمضان بیاید و از این روز تجلیل کنند. باید آواز اخوت و برادری را از حنجره های این ها بشنویم، باید فرهنگ اخوت را درنشرا ت خود به عنوان یک میثاق ملی و دینی پاس دارند و مد نظر بگیرند. باید تمام رسانه ها بخشی از نشرات مسألهٔ اخوت و برادری باشد. جامعه ما سخت آسیب پذیر است، ما شاهد بودیم، حوادثی که در بهسود صورت گرفت و در بین پارلمان واقع شد تنش زیاد به میان آورد، جامعه ما از لحاظ همبستگی ملی سخت آسیب پذیر است. خدای نا خواسته با یک جرقه اختلاف می بینید که چه مشکلاتی پیدا می شود. ما متوجه هستیم که دست های بسیار خطرناکی وجود دارد که برای ایجاد اختلاف کار می کنند، در دیگر کشورهای اسلامی هم می بینیم که چه برنامه ها وکشمکش ها ی وجود دارد، کشمکش های که درمیان شیعه و سنی در عراق انداختند، ما شاهد بودیم که چه تلفاتی سنگینی در بر داشت، حتا مساجد از این فتنه در امان نماندند و در آتش آن صدمه دیدند.

گرچه مساجد و تکایا وظایف عمدهٔ خود را انشاءالله انجام خواهند داد. خصوصاً از طریق شوری اخوت، مخصوصاً پیر اخوت آیت الله محسنی و سایر برادرانی که این جا هستند، در این زمینه تلاش های خوبی صورت گرفته، در پارلمان ملا صاحب تاج محمد در صدد است در این زمینه کاری انجام دهد. امیدوار هستم این تلاش به عنوان یک فرهنگ دینی و ملی نهادینه شود. البته اخوت بدون محبت ایجاد نمی شود پیامبر اکرم فرمودند: **(إن من عباد الله لأناس ما هم بأنبیاء و لا شهداء، یغبطهم الأنبیاء و الشهداء یوم القیامه)** ازمیان بندگان خدا انسانهای هستندکه نه پیغمبر اند و نه شهید، اما روز قیامت انبیاء و شهیدان به جایگاه آنها غبطه می خورند. کاش این مقام نصیب ما هم شود. اصحاب پرسان کردند که: (یارسول الله تخبرنا من هم ؟) ای پیامبر بگو که این ها کی ها هستند ؟ رسول اکرم فرمودند: **(قوم تحابون فی الله علی غیر ارحام بینهم)** مردمی هستند که بدون روابط خویشی و قومی تنها به خاطر خدا با هم دوست شدند و محبت کردند.

(فوالله إن وجوههم لنور، و إنهم لعلی نور) گویا در موجی از نور قرار دارند، همه اطراف شان نور است، **(لا یخافون إذا خاف الناس)** در لحظاتی که مردم در واهمه و ترس به سر می برند آنها هیچ پروایی ندارند ، **(ولا یحزنون إذا حزن الناس)** غمگین نمی شوند وقتی که مردم غمگین می باشند در آن روز همه می گویند که سرنوشت ما چه خواهد شد و به کجا می رویم، خدا با ما چه معامله می کند، گناه های ما را می بخشد یا نمی بخشد، جایگاه ما کجاست؟ بعد از آن پیغمبر این آیت را خواند که: (ألا إن أولیاءالله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون) آگاه باشید که بر دوستا ن خدا خوف هیچگاهی چیره نمی شود. پس اسلام ایجاب اخوت و اخوت ایجاب محبت را می کند. یقیناً وقتی این اصول درمیان مسلمانان ایجاد شود دیگر ما شاهد کشمکش و بحران های امنیتی، فساد اداری و بدبختی ها نخواهیم بود. زیرا پیغمبر مسلمان را برادر مسلمان می خواند. مسلمان چیزی را که به خود نمی پسندد به دیگران نمی پسندد. اگر فرهنگ اخوت به عنوان یک مشی عملی ما مسلمانان و به خصوص سرزمین ما افغانستان پیاده شود آن وقت شاهد دولت و ملت قدرتمند می باشیم، اختلافات رخت سفر خواهد بست و بد امنی ها از بین خواهد رفت و ما وارد یک مرحلهٔ سیاسی، ملی و فرهنگی با ثباتی خواهیم شد. مسؤولیت عمدهٔ ما به خصوص علمای بزرگوار، ایمهٔ مساجد، اهل قلم، استادان دانشگاه ها و مدارس و رسانه های ما است که این ابتکاررا به عنوان یک عمل مقدس ملی ویک ضرورت امروز و فردای کشور به یک فرهنگ تبدیل بکنند.

أقول قولی هذا أستغفرالله لی ولکم

والسلام علیکم ورحمه الله

امروز دشمنان درمیان ملت ما تفرقه ایجاد می کنند، درگذشته ها نیز آنها این کار را می کردند. درپیام رئیس جمهور هم این حقیقت بازتاب یافته و ذکر شده بود که دشمنان همیشه تفرقه ایجاد کردند. تفرقه همواره باعث ضعف و شکست مسلمانان می گردد. دو خلافت اسلامی در نتیجهٔ تفرقه نابود شدند، خلافت در اندلس و خلافت عثمانی. خلافت در اندلس به علت اختلافی که درمیان اقوام و قبایل مختلف ایجاد شد، سقوط کرد و بزرگترین ضایعه در جهان اسلام را باعث گردید

فرهنگ اسلامی مایهٔ افتخار کل بشریت است ...

ما امروز پنجاه کشور جداگانه داریم که استعمار آن را درست کرده است. ما به امید آن روز ی هستیم که مملکت واحد اسلامی در سراسر جهان بوجود بیایدو می آید. (إن الارض یرثها عبادی الصالحون).

اگر الان کشورهای اسلامی یک دولت اسلامی واحدمی داشت، ما این قدر اسلحه نمی خریدیم، با بودیجه کمتر می توانستیم دولت را رهبری کنیم وبقیه پول ها در راه رفاه بشریت به مصرف می رسید. هم برای مسلمانان وهم برای غیرمسلمانان، چون ما جانشین خداوند در روی زمین هستیم، در مقابل تمام بشر روی زمین مسؤولیت داریم. ولی امروز ما پنجاه کشورشدیم، پنجاه کابینه داریم، پنجاه میلیارد دالر را بایداسلحه بخریم، پنجاه میلیارد دالرقصرهای احمقانه درست کنیم، برای وزراء و ریاست جمهوری، همه پول ها در این راه ها مصرف می شود.

(واعتصموبحبل الله جمعیاً) بین شیعه و سنی در مسایل فرعی چقدر اختلاف است؟ من قسم می خورم به همان اندازه که بین سنت وشیعه اختلاف است، بین علمای شیعه هم اختلاف وجود دارد. به همان اندازه در بین مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز اختلاف است، امام ابوحنیفه علیه الرحمه دوشاگرد دارد، در بین دوشاگردش اختلاف است، خود شاگردان امام ابوحنیفه، مستقیما با امام اختلاف دارند، ولی هیچ کس بر آن ها ایراد نگرفته و نباید بگیرد این احمقانه است که ما براساس فروعات اختلاف کنیم.

(و لا تعاونوا علی إلاثم والعدوان) اسلام تنها دستور خشک نمی دهد، دستور عملی می دهد نیروهای خود را در امور خیر و برای ترویج اسلام، برای معنویت یک جا کنیدفرهنگ اسلامی در کشورهای اسلامی بیگانه مانده است. باید خود ما اول فرهنگ اسلامی را تطبیق بکنیم، بعد آن را به دیگران معرفی نماییم. اگر از عقل خود کار بگیریم فرهنگ اسلامی مایه افتخار کل بشریت است. ولی ما باید این فرهنگ را درست تبیین کنیم برای مردم دنیا، که اسلام چه می گوید.

تعاون غیر از اعانه است اشتباه نشود. اسلام نه گفته است (اعینوا علی البر و التقوی) بلکه گفته است (و تعاونوا علی البر و التقوی) "إعانه" کمک کردن به کسانی است که احتیاج دارند، تعاون، به معنای کمک کردن نیست، به معنای همکاری است. اگر من یک کاری را انجام ندادم، تو حق نداری بخاطر تنبلی من عذر کنی، باید تو آن را انجام بدهی: (أفإن مات أوقتل انقلبتم علی اعقابکم) اگر پیامبر فوت کرد یا کشته شد، شما بر می گردید به سوی جاهلیت و مرتد می شوید. خط خط پیامبر نیست که با رفتن وی تمام شود. خط خط خداست، خط فطرت است، تا زندگی در روی کره زمین است و تا روز قیامت، ما باید با هم در خط واحد همکاری کنیم، وظیفه کسی با رفتن کسی ساقط نمی شود.

در قرآنکریم لفظ "اخوانا" و جای دیگر لفظ" إخوه" آمده است. کسی با کسی برادر می شود، امروز برادران عینی، از یک پدر و مادر، سر یک دیگر خود کلاه می گذارند، اگر زن برادر به منزل برادر آمد، برادر می گوید زن تو زن مرا به سیلی زد و هر دو جنگ می کنند.

قرآنکریم می گوید: (إنما المؤمنون إخوهٔ) "إنما" حصر را افاده می کند، مسلمانان میان خود برادری کامل دارند، مؤمن برادر مومن می شود، همان طوری که جناب استاد ربانی فرمود. دراحادیثی که از اهل بیت روایت شده است، از پیامبر سوال کردند، "ما اوثق عری الایمان" حلقه محکم ایمان چی است؟پیامبر خدا فرمود:" الحب فی الله و البغض فی الله". محبت در راه خدا و بغض در راه خدا محکم ترین حلقه ایمان است، "اخوه" مفاهیم مختلف و زیاد دارد، این ایمان به خدا انسان را به انسان می چسپاند، تا جان و مال خود و همه چیز خود را در راه خدا فدا می کند. (انماالمؤمنون اخوهٔ) شما از یکدیگر جد انیستید، مسلمانان همه پارهٔ تن همدیگر اند.

بنی آدم اعضای همدیگر اند
که در آفرینش ز یک جوهر اند

اخوت اسلامی چه مهفومی را می رساند، هرکسی که در راه خدا گام بردارد، قرآن کریم را قبول کند، اخوت اسلامی را قبول کند، پیش از اخوت اسلامی "امت واحده" را قبول کند "خیرامهٔ" را قبول کند "لاتنازعوا" را قبول کند بعد (معتصم بالله) و بعد (تعاونوا علی البر و التقوی) را قبول کند مرتبه دیگر (إنما المؤمنون إخوهٔ) است.

ما مسلمانان در برابر یک واجب دینی مهم دیگر قرار داریم،آن " امر به معروف ونهی از منکر" می باشد دراین مورد وظیفهٔ اصلی ما دفاع از اصل دین است. در شرایط امروزی تهاجم فرهنگی، فرهنگ منحط مادی با تمام وسایل روانشناسی و شیطانی که دارد با ملیون ها پول که می آورد، هدف اساسی آن ها چه در کشور ما و چه در کشورهای دیگرفقط یک هدف است و آن نابودی اسلام است، هدف شان این است که چیزی درمقابل فرهنگ مادی وجود نداشته باشد.

دشمنی فرهنگ مادی غرب با فرهنگ اسلامی، نشان از پویایی و عظمت فرهنگ اسلام دارد. این را مکرر گفته اند که اسلام از کمونیزم به مراتب خطرناک تر است، پنهان نکرده اند، خوب حالا آمادگی برای دفع این خطر و دفاع از اسلام مهمتر است یا اینکه ما بنشینیم و روی فروعات باهم دیگر نزاع کنیم و بر سر یک دیگر بکوبیم، که تو دست بسته نماز می خوانی و یا این که او بگوید که توچرا دست باز نماز می خوانی؟ آیا این فکر ها فکر های شیطانی نیستند؟ اگر بیاییم و فروعات فقهی را که اختلافی است به آرامی حساب کنیم، این اختلافات پنج در صد فقه نمی شود، آیا لازم است نود وپنج در صد دیگر فقه را قربانی همین پنج درصد کنیم، اصول دین را که همه قبول دارند آن را قربانی کنیم. این از حماقت هم پائینتر است، ما باید اخوت اسلامی را به عنوان نعمت خداوند بدانیم، همان طوری که قرآن گفته است "و تعاونوا علی البرو التقوی" را باید وظیفه دینی خود بدانیم و یکجا باشیم.

خدا را شکر می کنیم که در عصر ارتباطات قرار داریم، در زمانه های گذشته یک مذهب از مذهب دیگر خبر نداشت چیزهای عجیب و غریب در بارهٔ همدیگر می نوشتند، چند نفر منافق شکم پرست همه را گمراه می ساختند ومسلمانان را با هم بدبین می کردند، ما امروز الحمدالله می نشینیم باهم صحبت می کنیم، شورای اخوت اسلامی افتخار دارد که نخستین تجربه را دراین زمینه در افغانستان انجام می دهد، علمای هر دو مذهب سنی و شیعه هفته یک روز می نشینند با هم صحبت می کنند، کسی احساس نمی کند که این ها اهل یک مذهب اند یا اهل دو مذهب، خداوند به این رسانه ها توفیق بدهد، پیشنهاد جناب آقای ربانی را تکرار می کنم که باید در هر هفته یک روز را تخصیص بدهند و این مسایل را مطرح کنند و منتظر سالگرد نباشند. امروز رسانه های که ما داریم رسانه های با رسالت و دوستدار اسلام اند، علمای شیعه وسنی دراین تلویزیون ها بنشینند ومسایل را روشن سازند.

شورای اخوت دو اصل عمده دارد:

۱- همکاری در مشترکات که تقریبا نود وپنج در صد را فرامی گیرد.

۲- احترام به نظریات همدیگر در موارد اختلافی.

انشا الله ما امیدواریم که به وسیله همین رسانه هایی که امروز این جلسه را برگزار کرده اند شورای اخوت اسلامی تقویه شود و افتخار را رسانه های با رسالت ما داشته باشند.

د قبایلو د یرغل گواښ څه معنا لري؟

اخندزاده

تېره اونۍ د ترهګرۍ پرخلاف د پاکستان په قبايلي سيمو د امريکايي پوځونو لخوا پرله پسې بمباريو له يوې خوا نړيوال له هغه پټ ترون څخه خبر کړل چې د امريکايي مقامتو او پاکستاني لوي درستيز "اشفاق کياني" ترمينځه د جولايي په مياشت کې په سره بحيره کې ولاړې يوې امريکايي بېړۍ کې ترسره شوی ؤ، چې له مخې يې د امريکا ولسمشر جورج ډبليو بوش خپلو پوځونوته د ترهګرو د ټکولو پسې له افغانستان څخه د پاکستان خاورې ته د ننوتلو او هلته يې د ښه کولو او په توغنديو د ويشتلو او بمبارولو پټه اجازه ورکړېوه. او له بلې خوا يې په سيمه کې مېشت پاکستاني قبايل دې ګواښ ته اړ کړل چې که چېرې د امريکايي پوځونو لخوا په قبايلي سيمو بمباري، همداسې دوام وکړي نو قبايل به يې په ځواب کې د افغانستان پر خاوره يرغل وکړي.

دا خبره که څه هم د افغانستان خاورې ته د پاکستان د "اى ايس اى" لخوا د ترهګرو د راليږلو د پروسې او جګړې رواني ارخ ګڼل کيږي خو د يوې ژورې معنی لرونکې هم ده او هغه دا چې که چېري افغانستان يو خپلواک او آزاد هېواد اوسي نو له دې خاورې څخه د پاکستان سيموته د امريکايي پوځونو ورپورې وتل د پاکستان په خاوره د افغانستان د حکومت لخوا يو تيرى ګڼل کيږي او د هغې منطقي ځواب پاکستان غواړي د قبايلو په ذريعه ورکړي. خو حقيقت دا دى چې پاکستاني قبايل څکه د دې خبرې حق نلري چې لکه دطالبانو د رژيم دلسنکوريدو په مهال پاکستان د امريکې لخوا مجبور کړای شوی و چې له هوايي ډګرونو او له مختلفو نظامي مرکزونو څخه يې په افغانستان هيلوکيتري الوتنې وکړي او توغندي وتوغوي. په همدې توګه زمونږ هېواد هم اړ دى چې لاس اوسه د ترهګرۍ دورکې سپړې

په کار ده چې د دواړو هېوادونو ستراتيژي، د اسلامي ورورولۍ او بشري حقونو په بنياد وټاکلی شي او قبايل چې د دواړو هېوادونو ترمينځه د موجود ولس په توګه د افغانستان سره د تاريخي دوستۍ او ګډ کلتور او ارزښتونو ژورې ريښې لري، بايد د وخت نزاکت په درک کولو او د اسلامي ورورولۍ او پښتونولۍ رسالت وپېژني او پرېنږدي چې د دښمنانو په لمسون په سيمه کې لګېدلې اور نور هم وغځيږي

پسې د لټون په لويه کې د افغانانو د ملاتړ په نوم راغلي نړيوال ځواکونه يې له قلمرو څخه حرکت او طياري يې الوتنې وکړي: ځکه د نړيوالو ځواکونو د ادعاء له مخې دوی. مونږ له هغه ترهګرو څخه ساتي چې تراوسه يې امريکا او پاکستان دواړو سمبالوونکي ندي پيژندلي!

نو دا چې د پاکستاني قبايلو لخوا وروستى ګواښ څه معنا لري؟ افغان ولس يې هم په تشويش کې غورځولی: ځکه د پولې نږدې هغه خوا او دې خوا دواړه هغه قوم اوسيږي چې د يو منظم پلان له مخې د اوږدمهاله تېل وهل کيږي او زمونږ د خاورې يوه لويه برخه تشکيلوي. همدا رنګه د قبايلي مشرانو له دې اعلان وروسته د امريکا د دفاع وزير، افغانستان ته راتګ او د دفاعي کميټې مشر پاکستان ته په يوه وخت کې ورتګ چې ورسره په يوه وخت کې امريکايي ورځپانه "ګارډين" داسې يوه تجزيه هم خپروي چې د دې ويره شته چې په افغانستان کې روانه جګړه د کورنۍ جګړې بڼه غوره کړي اويا امريکايي مقامات وايي چې د جګړې مخ او ستراتيژي به بدله کړو. د افغانانو سره نوې پوښتنې راولاړوي چې آيا ربښتيا هم به قبايل دا عمل ترسره کړي؟ او پاکستان به له دې وروسته د نړيوالو سره د ترهګرۍ په ټکولوکې له مودې راهيسې وعدو او مرستو ته تحقق او دوام ورکړي او که نه؟

خو لاتر اوسه هغه مهمه پوښتنه بې ځوابه پاتې ده چې د افغانستان د دولت پرخلاف د روان مقاومت تر شا د چا لاس دی او دغه اوريکو اوس چريکي جګړه د چا په مټ او ملاتړ پېل کړې ده؟

همدا رنګه که طالب مقاومت دافغانستان د حکومت او بهرنيو ځواکونو پرخلاف جګړه کوي نو زمونږ په هېواد کې د ښوونځيو او کلينکونو په نوم د جوړ شوو ماتو ګوډو ودانيو ورانول او سوځول او د ښوونکی او شاګرد وژل د چا پروسه او عمل دی؟ او تر شايې هدف څه دی؟ ځکه دا کارونه انجامول خو د حکومت سره دښمني نه، بلکې د افغان ولس سره دښمني په ډاګه کوي. او د طالبانو مقاومت خو کله کله د دا ډول اعمالو سره بې تعلقي هم ښايي. نو نه پوهيږو چې د افغانانو څه ګناه ده؟ چې له يوې خوايې ترهګر! وژني چې نړيوال يې د طالبانو او القاعده په نوم پيژني او له بلې خوا يې امريکايي چورلکې هم په اونۍ کې لږ تر لږه يو خل د وير او غم په ټغر کښينوي او يا شهيدان شوی بې ګناه افغانان د تېروتنې ښکار ګڼل کيږي چې که په سلګونو هم ومري نو بيا هم يې په اړه يوازې په تاسف او بې نتيجې تحقيقاتو اکتفا کيږي. د ډانګ او پړانګ ترمينځه د واقع شوي افغان ولس څخه نور خپل دوست او دښمن ورک دی ځکه ځمکه هم ورته د ترهګرو له لاسه اورګرځيدلې او له هوا څخه هم هغه وريدونکی مرمۍ. د دوی په سينو لګيږي چې د دوی. د دوستانو! په نوم د راغلبو بهرنيو ځواکونو لخوا توغول کيږي

پاکستاني قبايل که د امريکايي يا نورو ايتلافي ځواکونو لخوا هدف ګرځي، افغانان د چا د مرميو هدف ګرځي؟ نو دوی پر چا يرغل يوسي؟ په پاکستاني قبايلو چې اوس د ټاکو د لګېدلو قصه وشوه نو ځکه خو يې د ټاکو د لګېدو غږ پورته کړ خو چې افغانان ورسره له مودو راهيسې مخ ؤ او د رمو په څېر ليوانو خوړل د ټاکو د لګېدو غږ ولې نه کېده؟

که نوره نړۍ سوله ايز ژوند او پرمختګ ته اړتيا لري آيا افغانان يې حق نلري؟ او آخر د دې دردېدلی ولس ګناه ښايي دا وي چې نړۍ او ګاونډيان يې د سره ښامار له تاړاک څخه خلاص کړی ؤ چې په نتيجه کې يې د افغانانو خاوره د نورو د هوس ښښه وګرځيده نو اوس که ديکتاتزې امريکا د توفان لړه توده هوا په قبايلو ورونو لګيږي ښايي د پرون د غفلت او هوس نتيجه وي، خو په کار ده چې مسلمان د مسلمان په وير ودردېږي او هغه څه چې د ځان لپاره خوښ ګڼي، د نورو لپاره يې هم خوښ وګڼي او چې ترڅو انسان په سيمه کې دوستان ونلري د لېرى دوستانو مينه هرچاته د خره لغته جوړيداې شي؛ په کار ده چې د دواړو هېوادونو ستراتيژي د اسلامي ورورولۍ او بشري حقونو په بنياد وټاکلی شي او قبايل چې د دواړو هېوادونو ترمينځه د موجود ولس په توګه د افغانستان سره د تاريخي دوستۍ او ګډ کلتور او ارزښتونو ژورې ريښې لري، بايد د وخت نزاکت په درک کولو او د اسلامي ورورولۍ او پښتونولۍ رسالت وپېژني او پرېنږدي چې د دښمنانو په لمسون په سيمه کې لګېدلی اور نور هم وغځيږي بلکې د اسلامي بصيرت له مخې د سيمې د دواړو هېوادونو د ستراتيژيو په سمولو او ښه ګاونډيتوب کې خپل رول ولوبوي او سيمه له هغواحتمالي ګواښونو څخه وژغوري چې ښايي ګډ دښمنان يې د دوستۍ په پلمه د دربمې نړيوالې احتمالي جګړې ډګر ګرځول غواړي اونه غواړي چې اسلامي امت د آرام ساه واخلي

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ هفدهم شنبه ۳۰ سنبله ۱۳۸۷- ۲۰ رمضان المبارک ۱٤۲۹ - 20, September 2008



شب قدر در رمضان

مولوی عبدالصمد انصاری

فضیلت شب قدر:

شکی نیست که ماه مبارک رمضان ماه کسب پاداش و فضیلت می باشد، به ویژه دهۀ اخیر آن که شب قدر نیز شامل آن است که از هزارماه بهتر است. چنانچه خداوندمی فرماید: "لیلةٔ القدر خیرمن الف شهر" هزار ماه تقریبا برابر با ۸۴ سال است، غالبا به اندازه عمرطولانی یک انسان. پیامبر فرموده اند(من قام لیله القدر ایمانا واحتسابا غفرله ماتقدم من ذنبه) کسی که شب قدر را از روی ایمان وکسب اجر و ثواب عبادت نماید، تمام گناهان گذشته وی آمرزیده خواهد شد. لیله القدر شبی است که جبرئیل و فرشتگان آسمان به پاس عظمت و حرمت آن به زمین فرود می آیند و از نمازگزاران و عبادت کنندگان پذیرایی شایسته می نمایند، وشبی که به شهادت قرآن ازشام تا بامدادان آن سلامتی است و سرشار از رحمت وغفران یزدان است. بنابراین نباید این چانس طلایی را که خداوند کریم برای بندگانش عنایت فرموده از دست داد و از انوار بی پایان آن محروم گشت.

تاریخ شب قدر:

در حدیث آمده است که شب قدر در شب های تاق دهۀ آخرماه رمضان است که مصادف با یکی از شب های ۲۱، ۲۳،۲۵،۲۷ و ۲۹ می باشد، در تمام این شب ها باید به عبادت پرداخت بخصوص در شبی ۲۷ که امکان موجودیت لیلةٔ القدر در آن بیشتر است.

دعای شب قدر:

در حدیثی که عایشه صدیقه روایت کرده ، آمده است، از پیامبر پرسیدم در شب قدر چطوردعا کنیم؟ ایشان فرمودندبگو: الهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی (خدایا تو بخشنده یی، بخشش را دوست داری پس مرا مورد عفو قرار بده) لذا بهترین دعا در شب قدر، طلب آمرزش و بخشایش پروردگاراست.

عبادت در شب قدر:

در شب قدر مسلمانان به عبادت خاصی مقید نشده اند، ذکرخدا، تلاوت قرآنکریم، نماز، درود بر پیامبر، خواندن دعا های ماثوره و مطالعه کتب دینی شامل عبادت این شب می باشد.

حکمت درعدم تعیین این شب:

حکمت های عدیدهٔ می توان بر شمرد که از آن سبب وقت شب قدر مشخص نشده است، از جمله این که انسان بخاطر تلاش شب قدر همواره به عبادت می پردازد به امید این که آن شب، شب قدر می باشد، بدین ترتیب شب های زیادی را به عبادت سپری می کند و این خودسرمایه معنوی و اخروی بار می آورد.

علامات شب قدر:

دریافت شب قدر لزوما با نشانه ها وعلاماتی همراه نیست، و ندیدن نشانه ها به معنای نبود شب قدر نمی باشد. البته این شب دارای بعضی نشانه های است که احتمالا واقع می شود، از جمله آن که هوایی شب قدر عادی و آسمانش صاف است، هنگام طلوع آفتاب در صبح همان لیل، یک نوع غباری جلو اشعه آفتاب قرار می گیرد، دراین شب آواز سگان شنیده نمی شود و فضای روحانی برآن شب حاکم می گردد.

رویداد های مهم هفته

بازداشت اعضای یک باند قاچاقچی درکابل

ریاست عمومی امنیت ملی اخیرا سه تن از اعضای یک باند آدم ربا را در شهرکابل بازداشت کرد، سعید انصاری سخنگوی ریاست امنیت ملی روز سه شنبه ۲۶سنبله در یک نشست خبری در کابل اعلام کرد که افراد یادشده به دست داشتن در چندین مورد اختطاف در شهر کابل اعتراف کرده اند، آقای انصاری گفته است که رئیس این باند که خدایداد نام دارد و باشندهٔ اصلی ولایت خوست می باشد تا کنون به چنگ نیروهای امنیتی نیافتاده است.

کشته شدن سه تن در هرات

در نتیجه وقوع یک انفجار روز دوشنبه ۲۵ سنبله در ولسوالی شیندند در ولایت هرات، سه تن کشته و هفت تن دیگر زخمی شدند.

این انفجار در نزدیکی ساختمان اداری ولسوالی شیندند روی داده و گفته می شود هدف از این حمله ولسوال شیندند بوده است. اما ولسوال شیندند از این حمله جان سالم بدر برد ولی پسر ش در اثر انفجار کشته شده است.

حمله به کارکنان صحی سازمان ملل درقندهار

یک حمله کنندهٔ انتحاری روز یکشنبه ۲۴ سنبله، در ولایت قندهار کاروانی کارمندان سازمان صحی ملل متحد را هدف قرار داد که در اثر این حمله به گفتهٔ مسؤولان پلیس، دو تن از کارمندان صحی سازمان ملل متحد و یک رانندهٔ آنان کشته و حداقل شانزده نفر دیگر جراحت برداشته اند.

این حمله در ولسوالی اسپین بولدک ولایت قندهار صورت گرفته و پلیس می گوید حمله کننده انتحاری، موتر بمبگذاری شده را در نزدیک کاروان کارمندان صحی سازمان ملل متحد منفجر کرد و در این حمله شانزده نفر دیگر، به شمول پنج مامور پلیس و یازده غیرنظامی زخمی شدند.

حملهٔ موشکی بر دفتر یوناما در هرات

دفتر سیاسی سازمان ملل متحد یا یوناما در ولایت هرات شب شنبه ۲۴ سنبله هدف پنج فیر موشک قرار گرفت، مسؤولان امنیتی ضمن تایید این حمله گفته اند که این موشک ها به هدف اصابت نکرده و تلفات و خساراتی در قبال نداشته اند.

کشته شدن سرپرست فرماندهی ولسوالی زنه خان

گروه طالبان سرپرست فرماندهی پلیس ولسوالی زنه خان ولایت غزنی را روز یکشنبه ۲۴ سنبله همراه با شش تن از سربازان پلیس کشته اند. سخنگوی والی غزنی گفته است که این سربازان هنگام گشت زنی مورد حمله شورشیان قرار گرفته و کشته شده اند.

مجروح شدن چهار پلیس در خوست

روز سه شنبه ۲۶ سنبله کاروان پلیس در ولسوالی صبری ولایت خوست مورد حمله قرار گرفت که در نتیجه چهار پلیس مجروح شدند. ولسوال صبری در تماس با رسانه ها این رویداد را تایید کرده است.

کشته شدن دو مامور پلیس درهلمند

بامداد روز دوشنبه ۲۵ سنبله افراد مسلح ناشناس دو مامور پلیس را در ولسوالی گرشک ولایت هلمندبه قتل رساندند. گروه طالبان مسؤولیت این قتل را دوش نگرفته اند.

کشته شدن چهار سرباز خارجی

همزمان با سفر وزیر دفاع آمریکا به کابل، چهار نظامی عضو ائتلاف به رهبری آمریکا روز چهارشنبه ۲۷ سنبله در اثر انفجاری کشته شدند. منابع ائتلاف کشته شدن این چهار سرباز را تایید کرده اما محل دقیق رویداد را مشخص نکرده اند.

شیخ آیت الله آصف محسنی در دومین اجلاس شورای اخوت اسلامی:

فرهنگ اسلامی مایهٔ افتخار کل بشریت است

الحمدالله رب العالمین و الصلوه و اسلام علی سیدنامحمدو علی آله الطاهرین و اصحابه المتقین وعلینا و علی عباده الله الصالحین

قال الله تعالی: فی کتابه اعوذبالله من الشیطان رجیم بسم الله الرحمن الرحیم (إن هذه أمتکم امة واحدة و أناربکم فاعبدون... و أنا ربکم فاتقون)

قرآن مجید در مورد جامعۀ اسلامی خطاب های گوناگون دارد. دراین آیت به مسلمانان خطاب می کند که امت شما امت واحد است و شیرازهٔ امت اسلامی نژاد و زبان نیست، توحید است (إن هذه أمتکم أمةٔ واحدةٔ وأنا ربکم). در جای دیگر می فرماید: (کنتم



خیر أمةٔ أخرجت للناس) امت من بهترین امتی که تا به امروز به وجود آمده است.

چرا ما از دیگر امت ها بهتر هستیم دلیلش را بیان می کند، برای این که شما برای خدا امر به معروف و نهی از منکر می کند. حالا که ما بهترین امت شدیم، مواظب باشید که به مفت از دست تان نرود"ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم" نباید برای قضایای جزء به کشمکش بیفتید و مانند جاهلان، بنام قوم، زبان و سمت وخطوط جغرافیای با هم کشمکش کنید چون قوت شما سست می شود و روحیات شما ضعیف می گردد "فتفشلوا" شکست می خورید.

باید با قوت ومنسجم حرکت کنید. مرحله سوم است که به جامعه اسلامی خطاب می شود.

مرحله چهارم، "و اعتصموا بحبل الله جمعا ولاتفرقوا" همه تان به دین خدا چنگ بزنید و "لاتفرقوا" پراگنده نشوید. **ادامه درص ۷**



سیمه ایزه جرگه او جرگه گی

محمد نسیم فقیری

له ډیر خنډ وروسته د مخکینی پریکړې پر بنسټ، د سولې د سیمه ایزې جرګې له منځه د جرګه ګی لپاره د پ کستان د نوی حکومت له خوا څه کسان و نومول شول او هیله ده چې په نږدې راتلونکي کې به دا جرګه ګی په اسلام آباد کې غونډه ولري.

د افغانستان له خوا ورته ډیر مخکې کسان معرفی شوي دي او داسې ښکاري چې زمونږ دولت دې جرګې او جرګه ګی ته ډیره لیوالتیا لري او د پاکستان اړخ له مجبوریته ورسره سر خوځوي! **پاتې پر ۵ مخ**